

یادمانی برای سه هزار قربانی

معمارنت - هنوز دقایقی به ساعت نه بامداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ باقی مانده بود که یک هواپیمای بوئینگ ۷۶۷ شرکت آمریکن ایرلاینز، بدنهٔ برج شمالی مرکز تجارت جهانی در بخش جنوبی منهتن نیویورک را شکافت. چند دقیقه بعد، دومین هواپیمای ربوده شده، به جدارهٔ آسمانخراش جنوبی کوبیده شد، تا با تخریب دو بنای معماری، نقطهٔ عطفی در تاریخ جهان رقم خورد.

برای هزاران سال فتح شهرها، تصرف سرزمین و تخریب یادبودهای معماری یا ابنیه مهم، موضوع و ابزار جدال تمدن‌ها یا دشمنان در حال جنگ بوده است. سابقهٔ تاریخی بشر، آکنده از خاطرات تلخی است، که مهاجمان و دشمنان تلاش کرده‌اند با تخریب بنا، یادمان یا شهری، تفوق و برتری خود بر رقیب را به نمایش بگذارند. در اغلب این جدال‌ها نیز، غیر نظامیان، کودکان و مردم عادی قربانیان اصلی این برتری جویی غیرمتمدانه بوده‌اند.

صبح روز یازدهم سپتامبر، ۱۹ عضو القاعده، چهار هواپیمای مسافربری را ربودند تا با تخریب بخشی از سمبل‌های اداری، اقتصادی و نظامی ایالات متحده آمریکا، ستیز خود با تنها ابرقدرت باقی مانده از جنگ سرد به رخ بکشند.

چند روزی طول کشید، تا جهان از شوک حادثه تروریستی به وقوع پیوسته خارج شود. برای دولت و مردم ایالات متحده، تخریب این سمبل‌ها می‌توانست لکه‌ای سیاه بر قدرت بین‌المللی ابرقدرت باشد (بدنبال این حملات دولت آمریکا آغازگر دو جنگ بزرگ در خاورمیانه شد، که صدها هزار تا از مردم خاورمیانه را به کام خود کشید).

برج‌های تخریب شده، در چهارم آوریل ۱۹۷۰ به بهره‌برداری رسیده و علاوه بر جنبهٔ سمبولیک اقتصادی آمریکا، دارای ارزش مالی و تنوع مالکیتی پیچیده‌ای بودند. همین امر باعث شد تصمیم‌های فنی و تهیه طرح‌های معماری بازسازی، باوجود تمایل میهن پرستانه شدید در آمریکا به بازسازی برج‌ها تا سال ۲۰۰۶ به درازا بکشد. جامعهٔ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و معماری آمریکا با این سؤال مهم روبرو بود، که چگونه می‌توان با در نظر داشتن جنبه‌های اقتصادی و فنی موضوع، این دهن کجی بزرگ تعدادی تروریست به تمدن آمریکا را پاسخگو باشند؟ حمله‌ای که در آن علاوه بر خسارت سمبولیک، جان ۳۰۰۰ انسان با نود ملیت مختلف در دو ساعت از دست رفته بود.

سرانجام نتیجهٔ هم‌فکری و هماهنگی بخش‌های گوناگون مرتبط با طرح بازسازی، در ۲۷ آوریل ۲۰۰۶ به بار نشست، و طرح بازسازی برج‌ها تجارت جهانی، در غالب یک بنای ۱۰۴ طبقه و محوطه‌سازی پیرامونی آن آغاز شد.

در طرح جدید، که چندین معمار مشهور و شرکت‌های مختلفی در آن همکاری داشتند، در محل فونداسیون دو برج قبلی، آبنماهایی با رنگ تیره یاد جانباختگان آن حادثه را تداعی می‌کنند. یک برج با کاربری، اداری-تجاری-گردشگری و ارتباطی با ارتفاع ۵۴۰ متر، ۱۰۴ طبقه و با جمع زیر بنای ۳۲۵۲۷۹ متر مربع جایگزین دو برج قبلی شده، و در محل مربوط به یادمان حادثه و جانباختگان، آثار آن روز سیاه به نمایش گذاشته شده است.

طراحان موزه یادمان کوشیده‌اند، تا حد ممکن، بخش‌هایی از باقی مانده ساختمان‌های تخریب شده را با بخش‌های جدید پیوند دهند. این هم‌پیوندی با تلاشی هنرمندانه، به مدد نورپردازی و انتخاب اشیاء و آثار باقی مانده از جانباختگان به زیبایی به واقعیت پیوسته است. تالارهای زیرین محوطه برای سال‌ها یاد آور قربانیان اصلی حادثه و آتش نشانان شجاعی است، که در آن روز، برای نجات قربانیان، از جان خود گذشتند.

موزه‌ای برای قربانیان

برخورد معمارانه با رویداد تاریخی یازدهم سپتامبر در موزه‌ای متنبلور شده است. موزه به یاد قربانیان حادثه ۱۱ سپتامبر است؛ قربانیانی گوناگون و چند که حادثه‌ای در زمان و مکان مشخص، به شکل‌های مختلف جان همه آن‌ها را می‌گیرد. تلاش طراحان موزه بر آن است تا به سادگی یادبودی از این قربانیان در آن محل به جای بگذارند. پس از این قربانیان قهرمان نمی‌سازد و هیچ تاکید خاصی روی هیچ فردی نمی‌شود. نام قربانیان بی‌ارحیتی به گونه‌ها مختلف در این موزه تکرار می‌شود.



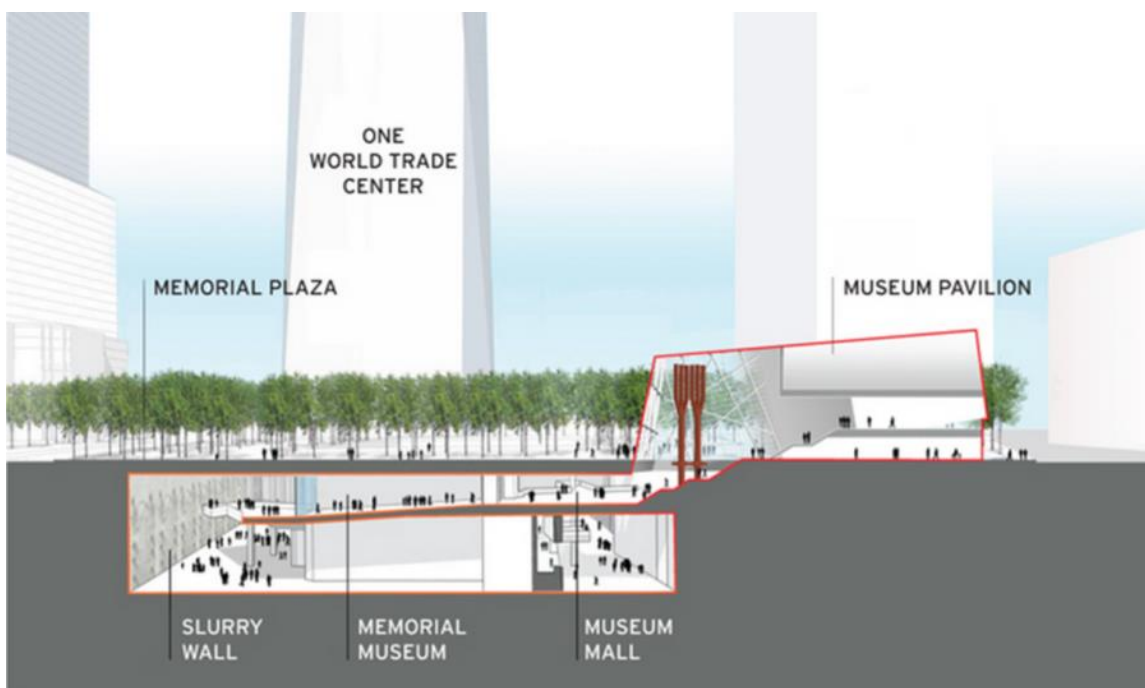
بنای موزه از دو استخر بزرگی تشکیل شده که در محل برج‌ها دو قلو قرار گرفتند و یک ورودی ساده شیشه‌ای و کوتاه که بین این دو برج نشسته است. محوطه موزه و فضای بین استخرها و ورودی با ردیف‌های بی‌از درختان چنار پر شده است.



استخرها از سنگ گرانیت سیاه اند که آب از لبه‌های آنها به عمق ۳۰ فوتی جاری می‌شود و سپس به درون حفره‌ای مرکزی می‌ریزد تا یادآور از دست دادن هزاران قربانی این حادثه باشد. نام قربانیان برای اولین بار روی لبه‌ها برنزی استخر حک شده است.



شاید درک این احجام و رابطه آنان برای بیننده‌ای که در محوطه قدم می‌زند، به دلیل بزرگی استخرها (۲۰×۲۰ متر مربع)، ارتفاع لبه‌های استخر، و تراکم درخت‌ها، سخت باشد.



فضای اصلی نمایش موزه در واقع در زیر زمین، و در محل پلازای هفت طبقه‌ای که قبلاً برج‌های دو قلو را به هم وصل می‌کرد، قرار می‌گیرد.

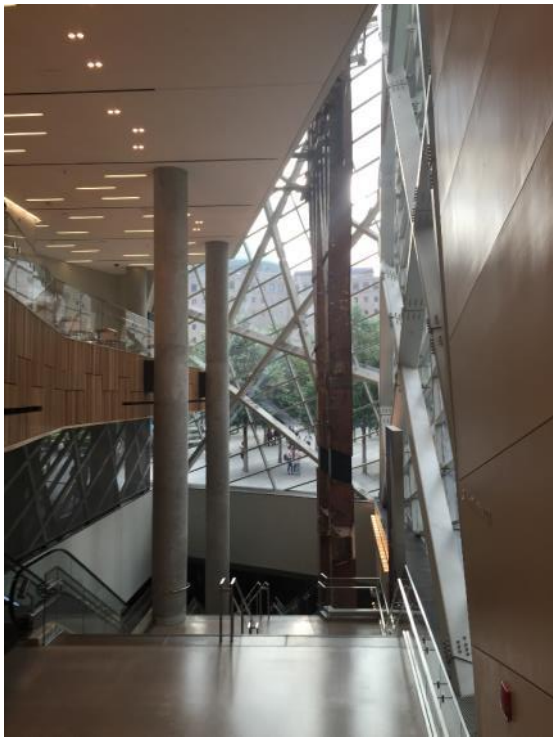


فضای بیرونی موزه که ورودی آن می باشد، یک حجم شیشه‌ای سبک است.

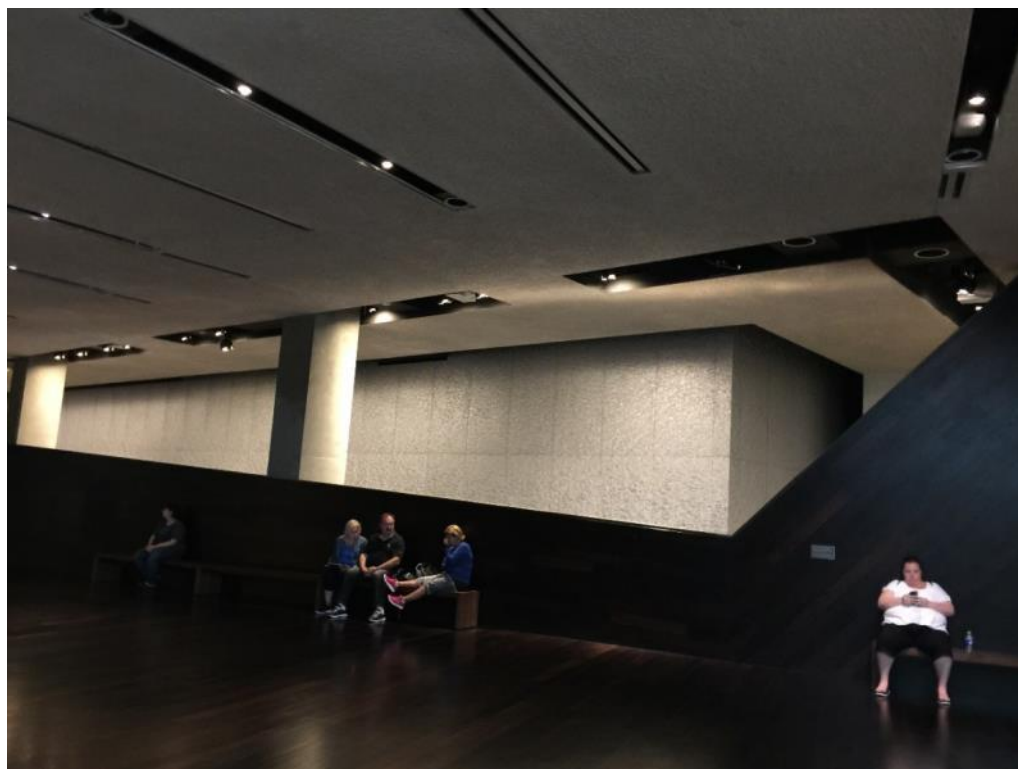


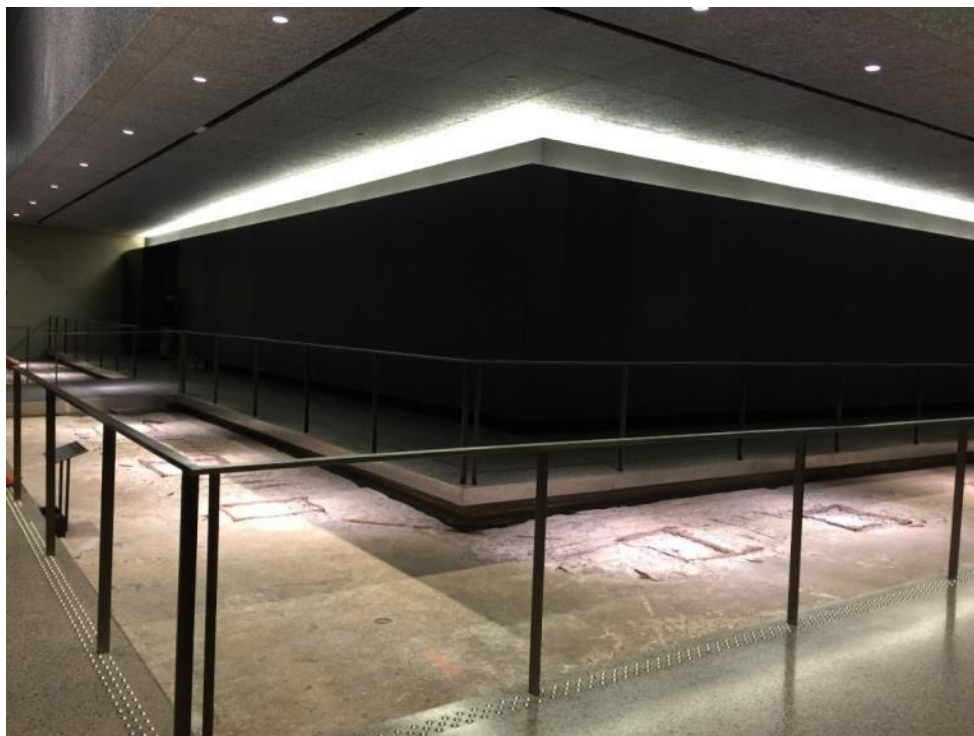
تنها عملکرد عمومی اصلی بالاتر از زمین، بجز ورودی، کافی شاپ است که در نیم طبقه‌ای بالای ورودی قرار می‌گیرد.



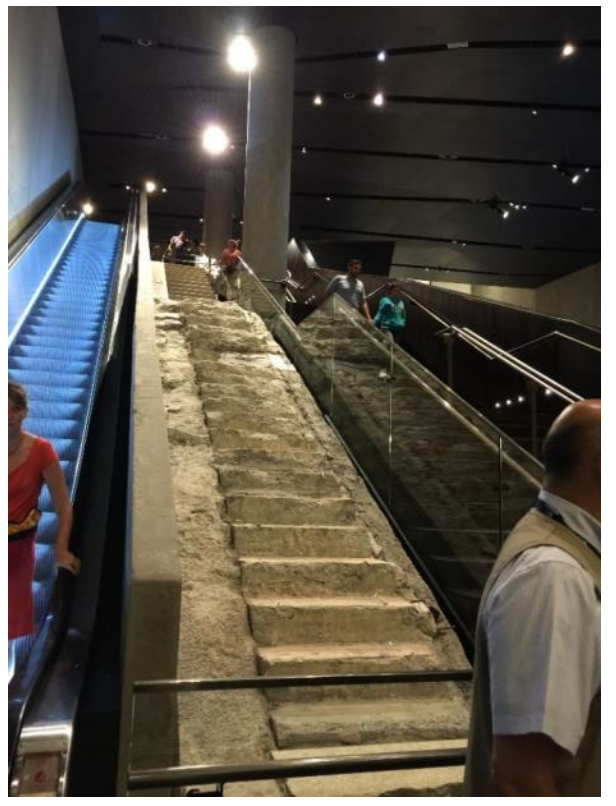
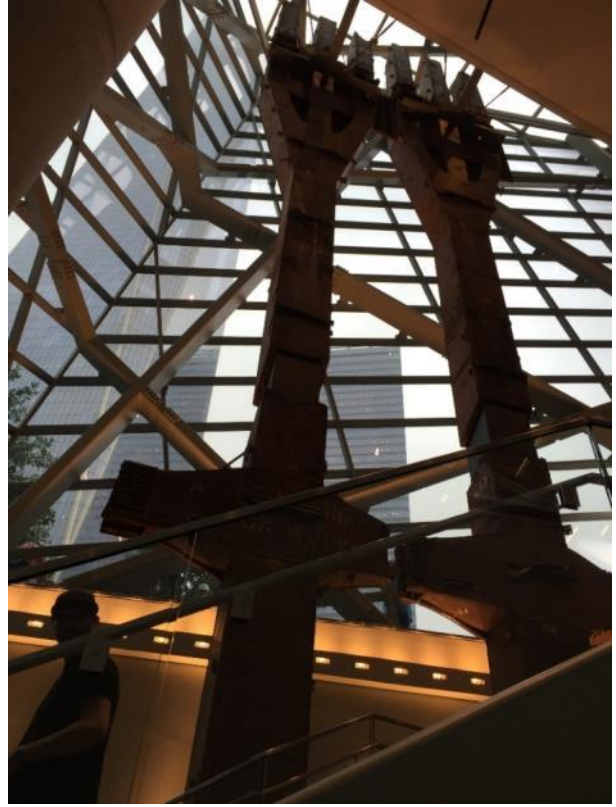


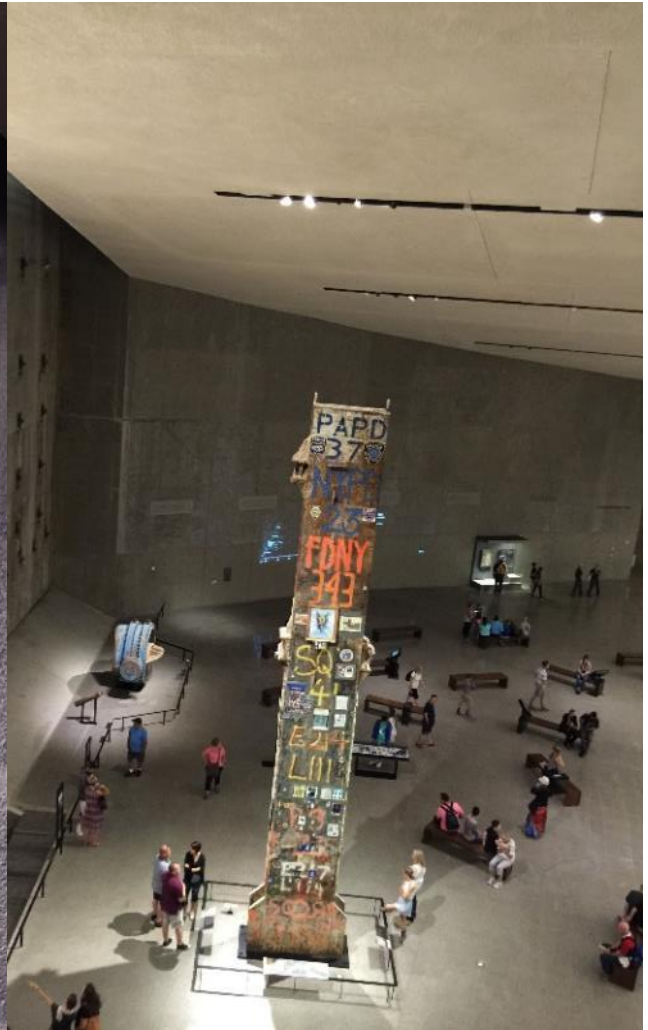
معماری موزه بسیار ساده است: بنایی در دو طبقه که پله‌های باز و عظیمی از یک طرف آن‌ها را به هم وصل می‌کند و از طرف دیگر راهروی اصلی به شکل رمپ از بالا به پایین می‌رسد.





حجم دو آبنما، مانند دو مکعب بتنی در فضای آزاد موزه نمایان است و در زیر آنها یک طبقه فضاهای نمایشگاهی قرار می‌گیرد که با سطح پایینی موزه، همتراز می‌شود.





در همه جا، باقیمانده بنای منهدم شده قبلی، در کنار بنای جدید، به چشم می خورد.



همه رنگ‌های به کار رفته در موزه، تیره و خاکستری هستند؛ به جز ستون‌های برج‌مانده از بناهای تخریب شده، عکس‌ها، و صفحه‌ای از سرامیک آبی که هر کدام از قطعه‌های سرامیکی نشان یک قربانی است.

کف موزه از چوب تیره، سقف‌ها و دیوارها و ستون‌ها بتنی، و سقف مجموعه از شیشه و فریم‌ها استیل ساخته شده است.



اسامی قربانیان، به اشکال مختلف در موزه تکرار می شود. روی یک کوزه، روی لبه آبنما، روی دیوار، ...



واقعیت آن است که در این موزه قرار نیست اشیای باارزش، هنری، یا عتیقه به نمایش درآید. مهم‌تر از آنچه به نمایش گذاشته شده است، نحوه نمایش آنها در موزه است، چیدمانی که موضوعی را روایت می‌کند و این شکل از روایت موضوع را جذاب و دیدنی می‌کند. مثل اتاقی که شبکه‌های خبری دنیا را در زمان وقوع حادثه به نمایش می‌گذارد، یا ماشین آتش‌نشانی که در زمان کمک، سوخته است.